

خوانش تفسیری آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا ...»

در تفاسیر المنار، المیزان و تسنیم

سید حسین شفیعی دارابی*

چکیده

پیوند مضمون آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ ...» با عصمت حضرت یوسف^{علیه السلام} موجب افزایش توجه مفسران فریقین به مضمون آن شده است. مقاله حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته به دنبال شناسایی رویکرد مفسران تفاسیر: المنار، المیزان و تسنیم در مورد متعلق اراده یوسف^{علیه السلام} و زلیخا است. نتیجه برآمده از مباحثت مقاله چنین است: این سه مفسر، در حالی که در نفی دیدگاه منکران عصمت حضرت یوسف^{علیه السلام} و نقد مستندهای روایی آنان، اتفاق نظر دارند اما در تعیین متعلق اراده این پیامبر الهی و زلیخا، دچار اختلاف هستند؛ به‌گونه‌ای که مؤلف تفسیر المنار، بر تعدد متعلق آن دو تاکید دارد؛ در حالی که مؤلفان دو تفسیر دیگر، بر وحدت متعلق اراده آنها، یعنی اراده سوء پافشاری می‌نمایند؛ با این تفاوت که زلیخا، در جهت تحقق آن نیز کوشش بوده اما سرانجام ناکام ماند ولی حضرت یوسف^{علیه السلام} به جهت برخورداری از برهان رب، نه تنها برای عملیاتی کردن آن، کوششی ننمود، بلکه از قصد به آن نیز دور بوده است.

واژگان کلیدی

آیه ۲۴ یوسف، «همت»، «هم»، وحدت متعلق، تعدد متعلق، برهان رب.

طرح مسئله

برپایه مفاد روش آیه «... مِنْهُ آیَاتُ مُحْكَمَاتُ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ ...» (آل عمران / ۷)، بخشی از آیات قرآنی، «متشابه» محسوب می‌شوند. امام صادق علیه السلام در تعریف این دسته از آیات فرمود: «وَالْمُتَشَابِهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ جَاهِلَةٌ؛ وَالْمُتَشَابِهُ آنُ اسْتَبَهَ لِكَسِيَّ كَهْ نَدَانَدَ مُشَتَّبَهَ شَوَّدَ». (عياشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۶۲) علامه طباطبائی، ضمن بیان اقوال شائزده‌گانه در جهت تعریف از آیات «متشابه» و نقد تک‌تک آنها (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۳ - ۴۳)؛ در مقام تعریف می‌نویسد:

وَمُتَشَابِهٌ آيَاتٌ اسْتَهْدَى كَهْ دَرَ افَادَه مَدْلُولَ خَوْدَ، اسْتَقْلَالَ نَدَاشْتَه باشَدَ وَبِهَا سَطَه رَدَّ بَهْ
سوی مُحْكَمَاتِ رُوشَنَ خَواهدَ شَدَ، نَهْ اِينَ كَهْ هِيجَونَه رَاهِی بَرَای فَهْمِ مَدْلُولَ آنَ در
دَسْتَرسِ نَبَاشَدَ. (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۵۵ / ۵۶)

مؤلف تفسیر تسنیم نیز، پس از بیان معنای لنوی «متشابه» به «همگونی در کیفیت و مماثلت و همانندی در ذات»، (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۰۲ / ۱۰۲) در بیان معنای اصطلاحی آن چنین آورده است: «متشابه در اصطلاح به آیاتی گفته می‌شود که تفسیر آنها به سبب شباهتشان به غیر، دشوار است» (همان: ۱۰۳)؛ روایت نبوی «وَمَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فَآمُنُوا بِهِ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۸) حاکی از این است که ما موظفیم به آیات متتشابه قرآن کریم همچون آیات محکم آن، مؤمن باشیم و آنها را نیز کلام الهی بدانیم؛ و پس از بازگرداندن آنها به آیات محکم الهی و کشف مراد از آنها، به مفاد آنها عمل نماییم؛ امام هشتم علیه السلام در تمجید از این اقدام، فرموده است: «مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنَ إِلَيْ مُحْكَمِهِ هُدِيَ إِلَيْ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ» (صدقوق، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۹۰) کسی که متتشابه قرآن را به محکم آن رد کرد به راه راست هدایت یافت».

مؤلف تفسیر تسنیم، با لحاظ این گونه روایات می‌نویسد: «به ظاهر متتشابه نمی‌توان تمسک و عمل کرد، ولی پس از ارجاع آن به حقیقت آن، معنی از عمل به آنها نیست». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۳ / ۲۲۸) باور بعضی از دانشوران علوم قرآنی این است که آیات «مجمل»، «مؤول» و «مشکل» نیز از «آیات متتشابه» قرآن محسوب می‌شوند؛ زیرا آیات مجمل به تفسیر، آیات مؤول به تأویل و آیات مشکل به رفع اشکال نیاز دارد. (صالح، ۱۳۷۲: ۲۸۲)

مبهم بودن مقصود از فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» از آیه ۲۴ سوره یوسف، موجب گردید تا از آن نیز، به عنوان «آیه متتشابه» قرآنی یاد شود و در شمار «آیات مشکله» قرار گیرد؛ (سبحانی، ۱۳۷۷: ۴) همین حیثیت سبب گشت تا پیرامون فراز مذکور، طرح مباحثی فراوان، شکل گیرد.

در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن بیان و بررسی نقطه نظرهای رشید رضا، سید محمدحسین

طباطبایی و جوادی آملی در جهت تعیین مفهوم لغوی و اصطلاحی ماده «هَمَّ»؛ نگاه تفسیری آنان پیرامون فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» مورد واکاوی قرار گیرد؛ تا از این طریق، هم با نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌هایشان در جهت مذکور آشنا گردیم و هم در قضاؤت به درستی یا نادرستی تمام یا بخشی از گفتارشان، دچار خطا نشویم.

اهمیت تحقیق

مفاد حدیث مشهور نبوی: «الْقُرْآنُ ذَلُولٌ دُوْ وُجُوهٍ فَاحْجِلُوهُ عَلَيْ أَحْسَنَ الْوُجُوهِ؛ قرآن ذلول (و رام) و ذو وجوه است، پس آن را بر بهترین وجوهش حمل (و معنا) کنید»، (دارقطنی بغدادی، ۱۳۸۷ / ۴ : ۸۲) متقی هندی، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ / ۱ : ۵۵۱؛ احسائی، ۱۴۰۵ / ۴ : ۱۰۴) و مضمون روایت علوی: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَقَهُّرُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا يُنُورُهُ فَإِنَّهُ شَفَاءُ الصُّدُورِ وَأَخْسِنُوا تِلَاقَهُ فَإِنَّهُ أَنْفعُ الْقَصَصِ؛ قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست، از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سودبخش‌ترین داستان‌هاست»، (شریف رضی، ۱۳۹۱ : ۲۱۰) گویای این حقیقت است که هرگونه تلاش مشروع و مناسب در جهت تفسیر و فهم آیات شریفه، اقدامی مهم و دارای شرافت و فضیلت می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۲۱ / ۴ : زرقانی، بی‌تا : ۲ / ۹)

بی‌تردید، هیچ‌گاه نمی‌توان ضریب اهمیت تلاش در جهت تفسیر و فهم مجموعه آیات قرآنی را، هم‌طراز تلقی نمود؛ چون محتوای برخی از آیات این کتاب آسمانی، ناظر به یک و یا چند امر ضروری دین می‌باشد؛ درنتیجه، ضریب اهمیت تفسیر و فهم این سلسله از آیات، بیشتر از بقیه خواهد بود؛ بدین‌جهت می‌گوییم؛ چون مفاد فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا...» مرتبط با مسئله «عصمت» حضرت یوسف علیه السلام است، (طباطبایی، ۱۳۹۰ / ۱۱ : رازی، ۱۴۲۰ / ۱۸ : رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵ / ۱۲ : ۲۸۴ - ۲۷۹) ضریب اهمیت تلاش در جهت تفسیر این فراز، بالا و در خور توجهی بیشتر می‌باشد؛ فخر رازی، از جمله مفسرانی است که در پرتو عبارت: «علم أن هذه الآية من المهمات التي يجب الاعتناء بالبحث عنها...» به صراحة از اهمیت این آیه و لزوم توجه به بحث از مفاد آن اعتراف نموده است. (رازی، ۱۴۲۰ / ۱۸ : ۴۳۹)

پیشینه تحقیق

در پی تبع صورت یافته در جهت شناسایی نوشه‌های مرتبط با تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف، روشن گردید که تبیین و تفسیر این آیه (به جهت گره خوردنش با مسئله «عصمت» یکی از انبیاء الهی)، نه تنها مورد

توجه دقیق و همه‌جانبه مفسران فریقین قرار گرفته؛ بلکه برخی از مستشرقان نیز به شرح و بسط مضمون آن روی آورده‌اند؛ از باب نمونه: «پال ای واکر»، با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «عصمت» و چاپ آن در دائرةالمعارف قرآنی لایدن، کوشیده است تا با ارائه برداشتی ناصواب از این آیه، مضمون آن را نافی عصمت پیامبری همچون یوسف عليه السلام جلوه دهد. (رضی بهبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۰ – ۱۴۹)

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان، مجموعه پژوهش‌های تدوین یافته پیرامون آیه ۲۴ یوسف را به سه دسته تقسیم نمود:

الف) پیشینه‌های عام

آنچه که دانشوران مسلمان بهویژه مفسران فریقین، در خلال متون تفسیری و غیرتفسیری خود در جهت شرح و تفسیر مجموعه فرازهای آیه ۲۴ سوره یوسف ذکر نموده‌اند، از پیشینه‌های عام و «غیرمستقل» این تحقیق محسوب می‌شوند. (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۵ - ۳۴۵؛ ابن شهرآشوب مازندرانی، ۱۴۱۰: ۲۳۴ - ۲۳۲؛ رازی، ۱۴۰۸ / ۱۱ - ۵۵؛ رازی، ۱۴۲۰ / ۱۸ - ۴۴۴؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ / ۳ - ۲۳۵؛ ابن عاشور، ۱۴۰۸ / ۱۲ - ۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ / ۱۱ - ۱۴۰؛ رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۵۳ / ۱۲ - ۲۸۶ - ۲۸۷)

ب) پیشینه‌های خاص

جمعی از محققان، بی‌آنکه به صورت صریح و شفاف، از نقطه نظرهای رشید رضا، علامه طباطبایی و جوادی آملی در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف یاد نموده باشند، در قالب نگاشته‌هایی مستقل، به تفسیر مجموعه و یا برخی از فرازهای این آیه پرداخته‌اند؛ از باب نمونه:

۱. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ ش، «تفسیر آیات مشکله قرآن مجید (رمگشائی از شاه بیت سوره یوسف)»،

درسنایی از مکتب اسلام، سال ۳۸، ش ۱، ص ۱۳ - ۹.

۲. رهبری، حسن، ۱۳۸۸ ش، «یوسف عليه السلام، رزم‌آزمای معركه نفس»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی،

ش ۵۸، ص ۱۷۹ - ۱۵۶.

۳. رستگار جزی، پرویز و علیرضا عزیزان غروی، ۱۳۹۷ ش، «نگاهی نو بر پایه محورهای ادبی به

تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف عليه السلام»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۲، ص ۱۸۶ - ۱۷۵.

۴. دشتی آهنگر، مصطفی، ۱۳۹۸ ش، «بررسی واحدهای روایی داستان یوسف در چهار متن تفسیری

کهن فارسی»، متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۴۳، ص ۱۱۴ - ۹۷.

۵. مصلایی‌پور یزدی، عباس، ۱۳۸۹ ش، «تحلیل و بررسی روش تفسیری شیخ بهایی»، پژوهش‌های

قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۱۸۴ - ۱۶۵.

۶. موسوی طباطبایی، سید ابوالحسن، «یوسف صدیق» و برهان پروردگار، *روزنامه کیهان*، سال هفتاد و هفتم، شماره ۲۲۱۰۴.
۷. بلوکی، افضل و محمدعلی مصلح‌زاد، ۱۳۹۹ ش، «تحلیل مفهوم واژه‌های «رب» و «برهان» در آیه «لَوْلَا أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، *مطالعات تفسیری*، ش ۴۱، ص ۷۴ - ۵۷.
۸. ربانی گلپایگانی، علی و سید کریم واعظ حسینی، ۱۳۹۳ ش، «منشأ عصمت»، *کلام اسلامی*، ش ۹۰، ص ۷۷ - ۵۱.
۹. آسه، جواد، ۱۳۹۸ ش، «نقدی بر توجیه اعرابی و تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در کتاب الأثر العقدی»؛ *پژوهش‌های زبان‌شناسی قرآن*، ش ۱۶، ص ۱۴۴ - ۱۲۹.
۱۰. رستگار جزی، پرویز و علیرضا عزیزیان غروی، ۱۳۹۷ ش، «نگاهی نو بر پایه محورهای ادبی به تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۱۲، ص ۱۸۶ - ۱۷۵.
۱۱. پروان، صدیقه و حسین علوی‌مهر، «نگرشی نو به برهان رب»، در نوبت انتشار در مجله مطالعات تفسیری.

(ج) پیشینه‌های «أَحْصَ»

- در دهه اخیر، برخی از قرآن‌پژوهان، در خلال نگاشته‌های محققانه خویش، ضمن طرح دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی در جهت تفسیر از فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، به نقل نقدهای این مفسر شیعی بر دیدگاه و دلایل رشید رضا در جهت مذکور روی آورده‌اند؛ از جمله:
۱. کتاب *المنار در آینه المیزان*: در این کتاب، به صورتی بسیار فشرده، به دیدگاه و دلایل رشید رضا در جهت شرح بخشی از قصه یوسف و زلیخا، و نقدهای علامه طباطبایی و برخی دیگر از مفسران نسبت به آنها، پرداخته شده است. (گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۰۷ - ۹۳)
 ۲. مقاله «چیستی متعلق «هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» و معنای «سُوءٌ» و «فحشاء» در آیه ۲۴ سوره یوسف»؛ در این مقاله، ضمن نقل فشرده دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا در جهت تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، به صورت محدود، نیز شاهد ذکر نقدهای علامه طباطبایی بر اندیشه و دلیل رشید رضا در این راستا هستیم. (ر. ک: برآتی، ۱۳۹۸: ۵۶ - ۳۳)

قلمرو تحقیق

در سه کتاب تفسیری *المنار*، *المیزان*، و *تسنیم* شاهد طرح مباحثی متنوع در جهت تفسیر هریک از

فرازهای چهارگانه آیه ۲۴ سوره یوسف («وَلَقَدْ هَمَّتْ يِهٖ وَهَمَّ يِهَا»، «لَوْ لَا أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، «كَذِلِكَ لِنَصْرَفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ» و «إِلَهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُحْلَصِينَ») هستیم؛ طبیعتاً در قالب یک مقاله، بیان و تحلیل مجموعه سخنان طرح شده از سوی مؤلفان این متون تفسیری در ذیل تک‌تک این فرازها، امری غیرممکن است؛ بدین جهت در ادامه این مقاله، در پرتو عناوین پیش‌روی، تنها به نقل و بررسی مهم‌ترین سخنان مفسران سه تفسیر یادشده در ذیل دو فراز اول و دوم این آیه پرداخته خواهد شد:

مفهوم «همّت» و «همّ»

بی‌تردید، نخستین گام برای به‌دست آوردن فهم درست از فراز؛ «وَلَقَدْ هَمَّتْ يِهٖ وَهَمَّ يِهَا» (یوسف / ۲۴) این است که با مفهوم لغوی و تفسیری دو واژه کلیدی «همّت» و «همّ» آشنا گردیم:

الف) دیدگاه واژه‌شناسان

اگرچه ابن‌درید، در بیان معنای ریشه «همّ»، تنها از معنای «قصد» و «تصمیم‌گیری» یاد نموده است (ابن‌درید، ۱۶۸۷: ۱۷۱ / ۱)؛ و فراهیدی و مصطفی ابراهیم نیز، فقط از معنای «حزن» خبر داده‌اند (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۳۷۵ / ۳؛ مصطفی، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۹۵)؛ ولی در غالب متون لغوی، شاهد بیان دو معنای «عزم» (قصد و اراده) و «حزن» (اضطراب و اندوه) برای واژه «همّ» هستیم. (فیومی، ۱۹۸۲: ۲ / ۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۳۷۶ - ۲۰۶۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۲ / ۱۲) البته طریحی از وجود فرق بین دو واژه «همّ» و «قصد» خبر داد و این‌گونه نگاشته است: «واژه «همّ» زمانی به کار می‌رود که هنوز شخص اراده بر انجام کاری ننموده و تنها حدیث نفس می‌کند؛ ولی در عین حال توجه و شوق بر انجام آن دارد». (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۱۸۸)

ب) دیدگاه مفسران

امین‌الاسلام طبرسی، در مقام تبیین معنای واژه «همّ»، از معنای چهارگانه: عزم بر کار، خطور چیزی به ذهن انسان، هرچند به مرحله عزم نرسد، نزدیک شدن به انجام کاری، شهوت و میل طبیعی خبر داده است؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۲ / ۵) ولی با مراجعه به متون تفسیری، مشخص می‌شود: یک. همه (یا دست‌کم غالب) مفسران بر این باورند که معنای دو واژه «همّت» و «همّ» در فراز مورد بحث، چیزی جز «عزم» (قصد و اراده) نمی‌باشد؛ (عاملی، ۱۴۱۳: ۲ / ۹۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۶ / ۱۶۶) دوم، اختلاف تمام (یا دست‌کم غالب) مفسران فریقین در جهت تفسیر فراز؛ «وَلَقَدْ هَمَّتْ يِهٖ وَهَمَّ يِهَا» مربوط به معنای کاربردی

واژه «هم» و تبیین چیستی متعلق «عزم» و «اراده» زلیخا و حضرت یوسف علیه السلام در پرتو آن می‌باشد.

البته برخی از قرآن‌پژوهان معاصر در جهت تعیین معنای کاربردی ماده «هم» اعلان داشته‌اند: واژه «هم»، زمانی به کار می‌رود که انسان عملی را اراده کند، اما آن را انجام ندهد؛ این در حالی است که برخی دیگر، بر این باورند که واژه یادشده در مواردی به کار می‌رود که افزون بر فعل، برخی از مقدمات فعل نیز انجام شده باشد. (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۴؛ به نقل از: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱ / ۲۸۶)

ج) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، اگرچه اراده معنای «عزم» (قصد) از دو واژه «همت» و «هم» در فراز: «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» را می‌پذیرد؛ (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵ / ۱۲: ۲۷۹) ولی از سوئی ادعا می‌کند: واژه «هم» در مواردی به کار می‌رود که قصدکننده در انجام فعل، دچار تردید باشد و از ناحیه دیگر، این ادعای خویش را برآمده از نص لغت و سیاق آیه می‌داند. (همان: ۱۲: ۲۸۶)

د) دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی نیز همانند اغلب مفسران فریقین بر این باور است که معنای دو واژه: «همت» و «هم» در فراز «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا»، چیزی جز «عزم» و «قصد» نخواهد بود؛ (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۳۶ - ۱۲۸) البته وی با لحاظ سیاق جمله «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ» بر این باور است که قصد عمل «سوء» (زناء) و «فحشاء» از سوی زلیخا صادر گشت؛ اما با توجه به اینکه «وَهَمَّ بِهَا» قرینه بر جزاء محذوف «لَهُمَّ بِهَا» است و کلمه «أَوْلًا» نیز - که دلالت بر امتناع دارد - شرط متأخر محسوب می‌شود؛ چنین قصدی از ناحیه یوسف علیه السلام محقق نگشت. (همان)

د) دیدگاه آیت الله جوادی آملی

مؤلف تفسیر تسنیم نیز، پس از نقل معانی چهارگانه واژه «هم» مذکور در عبارت أمین الإسلام طبرسی، و ذکر سخن محمود زمخشri؛ مبنی بر اینکه: «همام، کسی است که اگر به کاری همت کرد، آن را بدون نکول انجام می‌دهد»؛ (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۱۹) با طرح عنوان «قصد زلیخا و عدم قصد یوسف علیه السلام» بر این نکته تأکید دارد که معنای مورد نظر از دو واژه «همت» و «هم» در آیه مورد بحث، چیزی جز «قصد» نمی‌باشد؛ وی به صراحة اعلان داشته است:

حرف «لام» و کلمه «قد» در جمله «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ» نشان تصمیم جدی و اقدام عملی

زليخا در اجرای نيت پلید وي است و يوسف^{عليه السلام} نيز اگر برهان پروردگارش را نديده بود، او را قصد مى کرد؛ اما چون برهان پروردگارش را ديد، قصد نكرد ... (همان: ۳۲۰ - ۳۱۹)

بررسی

۱. امكان بلکه لزوم اراده معنای «عزم» و «قصد» از دو واژه «همت» و «هم» در فراز «ولقد همت به وهم بهای» باور مشترک بين دانشوران لغوی و تفسیری به ويژه رشید رضا، علامه طباطبائي و جوادی آملی محسوب مى شود؛
۲. به نظر مى رسد: باور مذکور، افزون بر همخوان بودنش با سياق آيه ۲۶ سوره يوسف، با مفاد جمع چشمگيری از روایات وارد در جهت تفسیر آن نيز کاملاً سازگاري دارد. (ر. ك: بحراني، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۶۸ - ۱۶۹)
۳. اگرچه رشید رضا، در اراده معنای «قصد» برای «هم» راه درستی را در پيش گرفته است؛ ولی در اشراب قيد «ترديد» در تعريف واژه «هم» (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۶) دچار اقدامي ناصواب شده است؛ زيرا چنین قيدي، نه اجتماعي است و نه در منابع معتبر لغتشناسی ذكر شده است. (گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۴ و ۱۰۲ «اقتباس»)

مفهوم واژه «لولا» و نقش کليدي آن

نقش کليدي، واژه «لولا» در ساختار و محتواي جمله «ولقد همت به وهم به لولا آن رأي برهان رببه» موجب گردید تا مورد توجه مفسران قرار گيرد؛ بدینجهت، حجم مباحث طرح شده پيرامون اين واژه بسیار است؛ مهمترین آنها عبارت است از:

الف) کاربردهای متنوع واژه «لولا»

كلمه «لولا»، مرکب از دو حرف «لو» و «لا» است؛ اين واژه با سه ساختار «لولا»، «ولولا»، و «فلولا»، در ۳۱ آيه از سوره قرآنی به کار رفته است. طبق نقل شرتوئی، اين کلمه، در زبان و قواعد عرب، داراي سه کاربرد (ر. ك: ۱۳۶۳: شرتوئی، ۳: ۱۳۹۳)، ذيل کلمه «لولا»؛ و به گفته برخی از دانشوران ايراني، داراي چهار کاربرد مى باشد. (سجادی، ۱۳۶۳: ۴ / ۹۴) به نظر مى رسد: کاربرد «شرطیت» و «امتیاع جمله دوم به وجود جمله اول، مشهورترین آنها است؛ همانند «لولا زيد لاگرمته»؛ يعني «اگر زيد نبود، اکرام او را مى کردم».

ب) مهمترین محور اختلاف مفسران در پرتو واژه «لولا»

از گفتار مفسران به خوبی بر مى آيد که آنان در دلالت کلمه «لولا» در فراز: «ولقد همت به وهم بهای لوا

لا آن رأي بُرهانَ رَبِّهِ» بر «امتناع» اتفاق نظر دارند؛ اختلاف آنان همچون اختلاف نحویان، مربوط به جواز یا عدم جواز تقدیم جواب «لولا» است؛ کسانی همانند طبرسی، فخر رازی، بیضاوی، جصاص و ... این تقدم را روا نمی‌دانند؛ (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲ / ۵؛ ۳۴۳ / ۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ / ۱۸؛ ۴۴۱ / ۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ / ۳؛ جصاص، ۱۴۰۵ / ۴؛ ۳۸۵ / ۴) اما دانشورانی همانند شنقیطی، درویش، و ... آن را بلا مانع دانسته‌اند. (شنقیطی، بی‌تا: ۲ / ۳۶؛ درویش، ۱۴۱۵ / ۴؛ ۴۷۱ / ۴ و ...)

نکته شایان توجه اینکه: طبق نظر گروه اول، جواب «لولا» محفوظ است و صدر آیه با جمله «هَمَّ بِهَا» جمله‌ای کامل است. و در نتیجه، در نفس یوسف علیه السلام «هَمَّ» و قصدی پدید آمده است؛ مفسرانی همانند زمخشری، فخر رازی، بیضاوی، طبرسی، و ...، اگرچه در چیستی متعلق قصد یوسف علیه السلام اختلاف نظر دارند؛ ولی تفسیر خود را بر همین وجه بنا نهاده‌اند؛ در حالی که طبق نظر گروه دوم، هیچ «هَمَّ» و قصدی در یوسف علیه السلام پدید نیامده است؛ زیرا در نظر این گروه، جمله «وَهَمَّ بِهَا»، جواب مقدم «لولا» است؛ و درواقع، نظم آیه چنین است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا آن رأي بُرهانَ رَبِّهِ أَهْمَّ بِهَا». ضمناً نتیجه برآمده از باور مفسران معتقد به محفوظیت جواب «لولا» و دلیل بودن جمله «وَهَمَّ بِهَا» برای آن نیز، همسان با نتیجه همین گروه می‌باشد. (اقتباس از: گودرزی، ۱۳۹۶ / ۹۵)

برای آگاهی از موضع صریح سه مفسر مورد نظر در این مقاله، به صورت فشرده، به بازگویی دیدگاه هریک از آنان در جهت مذکور پرداخته می‌شود:

۱. دیدگاه رشید رضا

مؤلف *المنار*، ضمن آنکه دیدگاه کسانی که معتقد به تقدیم جواب «لولا» شده‌اند را خلاف قاعده لغوی دانسته است؛ دیدگاه مفسران معتقد به محفوظیت جواب «لولا» و مستند ساختن آن به جمله «وَهَمَّ بِهَا» را نیز بر تتبییده است؛ او بر این نکته تصریح نمود که پذیرش هریک از این دو دیدگاه، موجب این می‌شود که بگوییم: یوسف هیچ قصدی نسبت به زلیخا نداشته است؛ و چنین سخنی، خلاف تبار ذهنی از عبارت «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» یا خلاف ظاهر آن می‌باشد. (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵ / ۱۲: ۲۸۱) با لحاظ مجموعه این بخش از سخنان رشید رضا، به وضوح دانسته می‌شود که وی، سیاق آیه (یعنی فعل شرط مذکور در جمله «لولا آن رأي بُرهانَ رَبِّهِ») را برای درستی باور به محفوظیت جواب «لولا» را کافی می‌داند.

۲. دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی، ضمن اشاره کلی به فاسد بودن قول به عدم جواز تقدیم جواب «لولا» بر این نکته تصریح دارد که جواب این کلمه، محفوظ است؛ و جمله «هَمَّ بِهَا» را دلیل بر این حذف دانسته است.

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۴) برخی از مولفان تفاسیر ادبی نیز، کاملاً موافق با این دیدگاه علامه طباطبایی هستند. (ر. ک: ابن عاشور، بی‌تا: ۱۲ / ۴۸)

۳. دیدگاه جوادی آملی

مؤلف تفسیر *تسنیم* ابتدا با اتكاء به گفتار منقول در تفسیر *مجمع البیان*، (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱) از وقوع تقدیم و تأخیر در جمله «وَ هَمَّ يَهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» خبر داد و این‌گونه نگاشت: «در این آیه شریف، تقدیم و تأخیر (رخ داده است) و در اصل، این چنین است: «وَلَقَدْ هَمَّ يَهَا وَلَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ يَهَا وَلَمَّا رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَمْ يَهَمَّ يَهَا»؛ در مرحله بعدی نیز، به صراحت اعلان نمود: «این قول حق است». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۰) این مفسر شیعی، در ادامه گفتارش، پس از نقل دو دلیل زجاج در جهت نفی جواز تقدیم جواب «لولا»؛ به صورت تفصیلی به نقد این باور «زجاج» پرداخت؛ در بخش آغازین این نقد این‌گونه نگاشته: «این سخن - همان‌گونه که فخر رازی نیز آن را بعید دانست (رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۱) ناتمام است. فهم این‌گونه مطالب از کسی که آیات را فقط با ادبیات محاوره‌ای تفسیر می‌کند، انتظار نمی‌رود. در فهم این آیات باید از عقل مدد جست که مصباح ادبیات است. روش زجاج، اسلامی سخن گفتن و جاهلی اندیشیدن است: موجود نبودن استعمال چیزی در کلام فصیح، مقایسه قرآن با سبعه معلقه و مانند آن است؛ غافل از اینکه اساس سبعه معلقه با نزول قرآن فرو ریخت. اصل پنداشتن شعر جاهلی و حمل قرآن بر آن، مردود و نارواست ...». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۱ - ۳۲۰)

بررسی

۱. دیدگاه رشید رضا، به جهت اینکه تقدیم جواب «لولا» را خلاف قاعده لغوی می‌دانست، کاملاً مخالف با دیدگاه علامه طباطبائی و جوادی آملی و بدون برخوردار از یک پشتونه علمی متقن است.
۲. خلاف قاعده لغوی دانستن دلالت «هَمَّ يَهَا» بر جواب محفوظ «لولا» و نسبت این ایده به دیگران توسط رشید رضا نیز؛ ضمن غیرهمخوان بودنش با دیدگاه علامه طباطبائی، نسبتی ناروا محسوب می‌شود؛ زیرا دست‌کم، برخی از نحویون و مفسران، تصریح به جواز این حذف و همخوان بودنش با قواعد لغویه نموده‌اند. (ر. ک: نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۱۹۹؛ درویش، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۱؛ دعاش، ۱۴۲۵: ۲ / ۸۴)
۳. اگرچه تصریح مؤلف تفسیر *تسنیم* بر حق بودن جواز تقدیم جواب «لولا» در فراز مورد بحث، غیرهمخوان با دیدگاه علامه طباطبائی است، ولی طبق گفته محبی الدین درویش، دلیلی بر امتناع این تقدیم وجود ندارد (درویش، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۱)

چیستی «برهان رب»

از سیاق آیه ۲۴ یوسف، به خوبی بر می آید: آنچه که موجب گردید تا یوسف علیه السلام از آلوده شدن به «سوء» و «فحشاء» در آمان بماند و عصمتش دچار آسیب نگردد، چیزی جز برخورداری او از «برهان رب» نبوده است؛ بنابراین، مشخص شدن مقصود از این تعبیر، دارای اهمیت است؛ توجه دیرپایی مفسران فریقین به تبیین چیستی این داده الهی به حضرت یوسف علیه السلام، کثرت مباحث مطرح شده در این راستا و نگارش نوشته های مستقل پیرامون آن (بلوکی، ۱۳۹۹: ۵۷ - ۷۶) می تواند شاهد صدقی بر مدعای مذکور باشد؛ برخی از قرآن پژوهان، از شکل گیری ۲۰ دیدگاه در این زمینه خبر داده اند. (پروان و علوی مهر، در نوبت انتشار) البته ما از میان مجموعه مباحث مربوطه، به طرح دو بحث مهم و سودمند پیش روی بسنده می نماییم:

طرح دیدگاهها در مورد چیستی «برهان رب»

واژه مصدری «برهان» که مأخوذه از ماده «بَرَهَ» می باشد، در لغت به معنای «سفید شدن» است؛ ولی اصطلاحاً به هرگونه دلیل محکم و نیرومندی که موجب روشنایی شود و یقین آور باشد، «برهان» گفته شده است؛ راغب اصفهانی می نویسد: «البرهان: بیان للحجۃ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ = ۱۹۹۶: ۱۲۱) به همین ترتیب است که قرآن در آیات: قصص / ۳۲؛ نمل / ۳۴؛ نساء / ۱۷۴، «معجزه» و «حجت قاطع» و «قرآن کریم» را «برهان» نامیده است.

مجمل ذکر شدن واژه ترکیبی «برهان رب» در آیه ۲۴ سوره یوسف، موجب گردید تا مفسران فریقین در جهت تعیین چیستی و مقصود از آن، دچار اختلاف گردند و دیدگاه های متفاوتی در این زمینه شکل گیرد؛ تنها علامه طبرسی، به نقل پنج قول در این راستا پرداخته است. (ر. ک: طبرسی، ۱۳۷۲ - ۳۴۵ / ۵ - ۳۴۴) در ادامه این بخش از مقاله، به ذکر دیدگاه سه مفسر مورد توجه در این نوشتار، بسنده می شود:

الف) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، در آغاز گفتارش پس از نقل جمله «وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهُمَّ بِهَا» بی آنکه توضیح خاصی را در مورد مفهوم «برهان رب» ذکر نماید، از آن به عنوان مصادقی از مفاد آیه «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أُمُورٍ» (یوسف / ۲۱) یاد نموده است؛ وی سپس در ادامه گفتارش، ابتدا از امور سه گانه «نبوت»، «معجزه نبوت»، و «مقدمات نبوت» (مقام صدیقیت علیها) به عنوان مقصود احتمالی از «برهان رب» نام برده است؛ پس از آن، به نقل و نقد تمامی این سه احتمال پرداخته است و مدعی شد: از سوی لغت، عقل، طبع (طبیعت) و شرع، دلیلی بر این احتمالات وجود ندارد؛ حتی در کتب صحاح و غیره، روایت مرفووعه ای از

پیامبر اسلام ﷺ در مورد آنها ذکر نشده است؛ او در بخش پایان گفتارش، مدعی شده است: «آنچه ما گفته‌ایم، هم متبار از لغت و وقایع قصه است و هم مقتضای توصیف‌های الهی از یوسف ﷺ می‌باشد». (رشید رضا، ۱۳۷۲: ۲۷۹ - ۲۷۸)

ب) دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی، پس از بیان معنای لغوی «برهان» و نقل کاربردهای مختلف آن، (ر. ک: طباطبائی، ۱۳۷۴ / ۱: ۱۷۳) چنین آورده است: «و اما آن برهانی که یوسف ﷺ از پروردگار خود دید هر چند کلام مجید خدای تعالیٰ کاملاً روشنش نکرده که چه بوده، اما به هر حال یکی از وسائل یقین بوده که با آن، دیگر جهل و ضلالتی باقی نمانده»؛ علامه در ادامه گفتارش، می‌نویسد: کلام یوسف ﷺ به وقت مناجات با پروردگار: «وَإِلَّا تَصْرُفْ عَنِّي كِيدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكْنِ مِنَ الْجَاهِلِينَ...»، (یوسف / ۳۳) نیز بر این معنا دلالت دارد؛ و خود دلیل بر این است که سبب مذکور، از قبیل علم‌های متعارف؛ یعنی علم به حُسن و قُبح و مصلحت و مفسدۀ افعال نبوده؛ زیرا از آیه: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ ائْتَخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ عِلْمًا» (جائیه / ۲۳) و آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَأَسْتَيْقَنْتُهَا أَنْفُسُهُمْ» (نمل / ۱۴) به خوبی استفاده می‌شود که این‌گونه علم‌ها گاهی با ضلالت و معصیت جمع می‌شود؛ پس به یقین آن برهانی که یوسف ﷺ از پروردگار خود دید، همان برهانی است که خدا به بندگان مخلص خود نشان می‌دهد و آن نوعی از علم مکشف و یقین مشهود و دیدنی است، که نفس آدمی با دیدن آن، چنان مطبع و تسليیم می‌شود که دیگر به هیچ وجه میل به معصیت نمی‌کند؛ (اقتباس از: طباطبائی، ۱۳۷۴ / ۱: ۱۷۴ - ۱۷۳) علامه در ادامه گفتارش، به نقل و نقد دیدگاه‌های مختلف مطرح شده از سوی دیگران در این راستا (به‌ویژه دیدگاه رشید رضا) پرداخته است. (همان: ۱۷۶ و ۱۷۷)

ج) دیدگاه جوادی آملی

مؤلف تفسیر تسنیم نیز در مبحث «تفسیری» آیه ۲۴ سوره یوسف و هم در بخش «اشارات و لطایف» مربوط به آن، در جهت تبیین چیستی تعبیر ترکیبی «برهان رب» و مقصود از آن در این آیه تلاشی سودمند و کمنظیر به عمل آورده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۴۰ - ۳۴۳ - ۳۲۷) وی در آغاز این بخش از نوشتارش، پس از طرح عنوان «برهان رب»، با استناد به گفتار علامه طباطبائی، به بیان مفهوم لغوی واژه «برهان» پرداخت؛ و این‌گونه نگاشت: «برهان، به معنای سلطان است و در این آیه، سبب یقین‌آوری است که با هیچ جهل و ضلالتی جمع نمی‌شود؛ یعنی نوعی از علم مکشف و یقین مشهود است که

نفس آدمی با داشتن آن به مقام و طاعتی باز می‌باید که به گناه میل هم نمی‌کند؟؛ سپس چنین آورده است: «شہود برہان رب، شہود و یافت عارفان و نظری: «ما کنت أعبد ربًا لِمَ أرْهُ» است؛ نه حکیمانه. برہان رب، به جهاد اکبر اشاره دارد که برتر از جهاد اوسط است...؛ برہان رب، شہود عرفانی و حضور در محضر جمال و جلال الهی است. برہان ربی که یوسف ﷺ در آن فضای خاص دید، نور جمال آفرین بود که او را از هر جمال و لذت دیگری آزاد کرد. اهل شہود هرگز کار بد را هم قصد نمی‌کنند» (همان: ۳۲۷) این مفسر گران‌سنگ شیعه در دوره معاصر، در بخش اشارات و لطائف آیه ۲۴ سوره یوسف نیز، به این نکته اشاره دارد که: «دیدن برہان رب، همان مشاهده اسمای حسنای الهی است. مشهود یوسف ﷺ در مقام شہود برہان رب، ذات و صفات عین ذات نیست». (همان: ۳۳۹)

از زیبایی دیدگاه مؤلفان المنار، المیزان و تسنیم در مورد چیستی «برہان رب»

در ارزیابی تلاش‌ها و نقطه نظرهای رشید رضا، علامه طباطبائی، و جوادی آملی در جهت تبیین چیستی «برہان رب» مذکور در فراز «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَءَاءَ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، به ذکر چهار نکته بسنده می‌شود:

۱. علامه طباطبائی و جوادی آملی، قبل از پرداختن به تبیین مقصود قرآنی از «برہان رب» به تبیین مفهوم لغوی و بیان کاربردهای مختلف قرآنی واژه «برہان» پرداخته‌اند؛ در حالی که در عبارت رشید رضا، این بعد از بحث، کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است؛
۲. اگرچه، هر سه مفسر به اهمیت والا و نقش کلیدی تعبیر «بُرْهَانَ رَبِّهِ» در جهت کشف مراد الهی در فراز مربوطه توجه داشته‌اند، ولی علامه طباطبائی و نیز جوادی آملی همچون سایر موارد، با اعمال شیوه تفسیری «قرآن به قرآن» به صورتی قطعی، شفاف و مستند، به تبیین مقصود از آن پرداختند؛ در حالی که رشید رضا تنها به بیان این نکته که او مصادقی از آیه «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَيْهِ أَمْرُهُ» محسوب می‌شود، بسنده نموده است؛ بی‌آنکه در این راستا، توضیحی را متذکر شود؛
۳. علامه طباطبائی، ضمن نقل دیدگاه‌های مخالفان در مراد از «برہان رب»، به صورت مستقل، به نقد تک‌تک آنها پرداخت؛ در حالی که رشید رضا در این راستا، پس از نقل دیدگاهها و احتمالات طرح شده از سوی دیگران، به ذکر نقد کلی آنها و آوردن عبارت «وأمثال هذه الصور التي رسّمتها أخيه بعض رواه التفسير المأثور بما لا يدل عليه دليل من اللغة ولا العقل ولا الطبع ولا الشّرع، ولم يرو في خبر مرفوع إلى النبي ﷺ في الصحاح ولا فيما دونها» (رشید رضا، ۱۳۷۲: ۱۲ / ۲۷۹) بسنده نموده است؛
۴. جوادی آملی، افزون بر اشاره ضمنی به برخی از دیدگاه‌های مخالف و ذکر مستنداتی از آیات و

روایات در جهت تایید دیدگاه علامه طباطبائی، در پرتو بحث «اشارات و لطائف» ذیل آیه ۲۴، به صورتی مبسوط، به تبیین نوع مشاهده یوسف^{علیہ السلام} از برهان «رب» سخن گفت؛ در حالی که در عبارت‌های دو مفسر دیگر (به‌ویژه رشید رضا)، خبری از پرداختن به این بحث نمی‌باشد.

تبیین چیستی متعلق «همت» و «هم»

با توجه به امکان (بلکه لزوم) معنای «اراده» (عزم و قصد) از دو واژه «همت» و «هم» در فراز: «ولَقَدْ هَمَّ يَهُ وَهَمَّ يَهَا» این پرسش شکل می‌گیرد که متعلق «همت به» و «هم بها» چیست؟ به تعبیر دیگر: متعلق «اراده» و «قصد» زلیخا و حضرت یوسف^{علیہ السلام} چه بوده است؟ آیا متعلق آن دو، امری واحد بوده است یا متفاوت از یکدیگر؟

مفاد متون تفسیری حکایت از این دارد که پاسخ‌دهی به پرسش مذکور، از دیر باز مورد توجه مفسران فریقین بوده است؛ همین موجب گردید تا در این راستا، اختلاف‌های فاحشی در بین آنان بروز نماید و دیدگاه‌های متفاوتی پدید آید و نوشته‌های مستقل و غیرمستقلی در این حوزه تدوین یابد. (ر. ک: ابن عجیب، ۱۴۱۹: ۴ / ۵۸۷)

با تتابع صورت یافته، روش گردید که سه نزاع اساسی در بروز این وضعیت تأثیرگذار بوده است:

الف) اختلاف مفسران در معنای کاربردی (و نه لغوی) ماده «هم» در فراز مورد بحث؛

ب) بروز دیدگاه‌های متفاوت در بین مفسران در جواز یا عدم جواز تقدّم جواب کلمه «لولا»؛

ج) متفاوت بودن مفاد روایات نقل شده در جهت تفسیر فراز: «ولَقَدْ هَمَّ يَهُ وَهَمَّ يَهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ». (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۹۶ – ۹۴)

در ادامه، تنها به بیان و ارزیابی دیدگاه مؤلفان *المنار*، *المیزان* و *تسنیم* و مباحث مرتبط طرح شده توسط آنان پرداخته می‌شود:

الف) دیدگاه رشید رضا

رشید رضا، ضمن نقل و نقد دیدگاه‌های برخی از مفسران پیشین در جهت تبیین متعلق اراده زلیخا و یوسف^{علیہ السلام} به ارائه نظریه‌ای خاص در این راستا روی آورده و برای درست جلوه دادن آن، دلایل چهارگانه‌ای را ذکر نموده است. (رشید رضا، ۱۹۳۵ - ۱۳۷۲ / ۱۲: ۲۸۶ - ۲۷۷) جهت آشنایی با این دیدگاه و امور مربوط به آن، توجه به امور ذیل سودمند خواهد بود:

۱. تبیین دیدگاه

رشید رضا بر این باور بود که متعلق قصد زلیخا و یوسف^{علیہ السلام} در قالب فراز: «ولَقَدْ هَمَّ يَهُ وَهَمَّ يَهَا»

مخالطت و آمیزش نبوده؛ بلکه تعدی و دفاعی دو سویه بوده است؛ سخن وی در این راستا چنین است:

جمله «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ» گویای این است که زلیخا به دلیل سرپیچی یوسف از خواسته‌اش، قصد کرد به او حمله کند؛ چراکه خود را سرور یوسف و او را غلام خود می‌پندشت و غرور خود را شکسته بود و با حیله و زمینه‌سازی و در نهایت با صراحت از او تقاضای همخوابگی کرده بود؛ در حالی که زن‌ها در امر یادشده همواره تقاضا شونده‌اند نه تقاضاکننده ... اما یوسف که غلامی عبری و در زیبایی و کمال و بزرگمنشی خارقالعاده بود، عرف‌شکنی کرده و زلیخا را وادار کرد که مقام و منزلت خویش را فراموش کرده و غرور زنانه و ناز و کرشمه را رها کرده و در مقابل غلامش کرنش کند ... این خواری و سرشکستگی قابل تحمل نیست و این غلام سرکش (یوسف) نیز جز با خوارشدن و انتقام گرفتن از وی، رام و همراه نمی‌شود؛ این اندیشه و راه حل در ذهن زلیخا شدت گرفت. در نتیجه در صدد عملی کردن آن برآمد یا دست‌کم اینکه به هنگام خشمناکی بر یوسف حمله کند؛ عمل یادشده در این‌گونه موارد و در هر زمان و مکانی از هر زنی سر می‌زند؛ و این نوع نزاع‌ها در محاکم قضایی بسیارند و به دفعات روزنامه‌ها از این‌گونه حوادث، گزارش می‌دهند و جمله «وَ هَمَّ بِهَا» گویای این است که یوسف نیز قصد کرد حمله زلیخا را دفع کند. (همان: ۲۷۸ - ۲۷۷)

۲. مسبوقیت دیدگاه

واقعیات موجود در متون تفسیری، حکایت از این دارد که نقش رشید رضا (۱۳۵۴ ق) در طرح این دیدگاه، نقشی ابداعی و اختراعی نبوده؛ زیرا در نگاشته‌های برخی از مفسران پیش از وی نیز شاهد طرح آن هستیم؛ از باب نمونه:

این عجیبه (۱۲۲۴ ق) در مقام تفسیر فراز: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» با عنوان «قیل» چنین آورده است:

گفته شده مقصود آیه این است که زلیخا اراده کرده یوسف را به دلیل نافرمانی، تنبیه کند و یوسف قصد کرد که با ضرب و شتم یا کشتن زلیخا او را از مقصودش بازدارد.

البته این عجیبه در پایان سخن‌ش، از مردودیت این دیدگاه خبر داد و چنین نگاشته است:

سخن یادشده دور از ذهن می‌نماید و جمله «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» آن را رد می‌کند. (ر. ک: گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۰۵؛ به نقل از: ابن عجیبه، ۱۴۱۹: ۵۸۸ - ۵۸۷ / ۲)

۳. دلیل دیدگاه

گو اینکه رشید رضا، تحلیلی را که در پرتو دیدگاه خویش ارائه نمود را، برای اثبات مدعای خویش کافی

دانسته است؛ بدین جهت، در ادامه گفتارش، شاهد ارائه حتی یک دلیل هم در این راستا نیستیم؛ جز اینکه پس از نقل دیدگاه مفسران معتقد به اینکه مقصود از «وَلَقْدْ هَمَّ يَهُ» مخالطت و وقایع (و قصد آمیزش جنسی) بوده است، چهار نقد بر آن وارد نموده است؛ بیان فشرده این نقدها چنین می‌باشد:

الف) هم و قصد به فعل قصدکننده تعلق می‌گیرد و عمل وقایع از افعال زن نیست، تا او بتواند آن را قصد کند ...؛

- ب) یوسف از زلیخا درخواست هم‌خوابگی نداشت تا پذیرش آن از جانب زلیخا را هم او بشماریم...؛
- ج) برفرض اینکه چنین درخواستی و پذیرشی محقق شده باشد، بهتر این بود این گونه تعبیر شود: «و لَقْدْ هَمَّ بِهَا وَ هَمَّتْ بِهِ...»؛
- د) واژه «هم» در موردی به کار می‌رود که شروع در مقدمات فعلی کند که در انجامش تردید دارد و این معنا بر عمل زلیخا (بر اساس مضمون آیات) صدق نمی‌کند (رشید رضا، ۱۳۷۲ - ۱۹۳۵: ۱۲ / ۲۸۶ - ۲۸۵)

۴. راهیابی اندیشه رشید رضا در آثار برخی از حوزه‌بیان انتشار دیدگاه رشید رضا، در عین حالی که در طول دوران گذشته، مخالفت جمع چشمگیری از مفسران شیعی و اهل سنت را در پی داشته است؛ ولی مورد استقبال اندک افرادی که سابقه حضور در حوزه‌های شیعی را در کارنامه تحصیلی خود دارند، قرار گرفته و با اندکی تفاوت، در آثار آنان راه یافته است؛ از باب نمونه: نویسنده کتاب جنجالی شهید جاوید، در بخشی از کتاب «جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف» آورده است:

در سوره یوسف ﴿۲۴﴾، آیه ۲۴، عبارت «وَلَقْدْ هَمَّ يَهُ وَ هَمَّ بِهَا ...»؛ بدین منظور نبوده که، زلیخا برای یوسف اظهار تمایل کرده و یوسف نیز تمایل پیدا کردد؛ بلکه منظور این است که وقتی زلیخا (در قسمت قبل آیه) اعلام آمادگی کرد و یوسف نپذیرفت؛ چنان خشمگین شد که به یوسف حمله کرد و اگر خداوند او را حفظ نمی‌کرد او نیز به زلیخا حمله می‌نمود. (صالحی نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۶۶)

نکته تأمل برانگیز و شگفتی آفرین اینکه: در ترجمه قرآن حسین انصاریان نیز، شاهد راهیابی، اندیشه رشید رضا هستیم؛ چه آنکه وی در ترجمه آیه ۲۴ سوره یوسف چنین آورده است:

بانوی کاخ [چون] خود را در برابر یوسف پاکدامن، شکست‌خورده دید با حالتی خشم آلد] به یوسف حمله کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را [که جلوه ربویت و نور

عصمت و بصیرت است] ندیده بود [به قصد دفاع از شرف و پاکیاش] به او حمله می کرد [و در آن حال زد و خورد سختی پیش می آمد و با مجروح شدن بانوی کاخ، راه اتهام بر ضد یوسف باز می شد، ولی دیدن برهان پروردگارش او را از حمله بازداشت و راه هرگونه اتهام از سوی بانوی کاخ بر او بسته شد]. [اما] این گونه [یوسف را یاری دادیم] تا زد و خورد [ای که سبب اتهام می شد] و [آنیز] عمل خلاف عفت آن بانو را از او بگردانیم؛ زیرا او از بندگان خالص شده ما [از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی] بود!!!.

۵. نقد دیدگاه

واقعیات موجود در عرصه های علمی حکایت از این دارد که نقد اندیشه رشید رضا در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف توسط علامه طباطبایی، از جامعیت و اتقانی مناسب برخوردار بوده آراسته به زیور منطق و نقدهایی عالمانه است؛ ولی این موجب نمی شود تا کسی این تلاش گران سنج او را در قالب اقدام فرقه ای و شیعی جلوه دهد؛ زیرا برخی از مفسران مشهور از اهل سنت نیز، گفته های رشید رضا در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف را بر تابیده و به صورتی شفاف به نقد آن پرداخته اند. (ر. ک: سید قطب: ۱۴۱۲ / ۷: ۱۹۹۷؛ طنطاوی، ۱۹۸۲ / ۴: ۱۳۹۷)

چکیده نقدهای علامه طباطبایی بر سخنان رشید رضا، در قالب دو نقد ذیل بازگو می شود:

(۱) تفسیر رشید رضا موجب می شود که بین متعلق قصد در دو جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» تفرقه ایجاد شود؛ زیرا وی متعلق قصد در جمله «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ» را تعدی و انتقام جویی و متعلق قصد در جمله «وَهَمَّ بِهَا» را دفاع و تعدی فرض کرده است و این تفاوت، برخلاف ظهور آیه است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ / ۱۱: ۱۳۷)

۲. چنین دیدگاهی، با سیاست آیه سازگاری ندارد؛ علامه در جهت تبیین این نقد، مجموعه فرازهای آیه ۲۴ یوسف را مد نظر قرار داده و این گونه نگاشته است: «از سیاست این آیه برمی آید که منظور از گرداندن «سوء» (تصمیم بر گناه و میل به آن) و «فحشاء» (زن) از یوسف ﷺ، نجات وی است از آنچه که همسر عزیز می خواست و به خاطر رسیدن به آن با او مراوده و خلوت می کرد و نیز از سیاست آیه برمی آید که مشار الیه «کذلک»، همان مفادی است که جمله «أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ» مشتمل بر آن است. پس برگشت معنای «كذلک لَصَرْفَ» به این می شود: از آنجایی که یوسف ﷺ از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشاء را به وسیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بازداشتیم ...؛ لازمه این حرف این است که جزاء مقدر «لولا» ارتکاب «سوء» (تصمیم بر گناه و میل به آن) و «فحشاء» (عمل زنا) باشد؛ در نتیجه جمله «لَوْ لَا أَنْ رَأَيْ ...» قید برای «وَهَمَّ بِهَا» می باشد؛ لازمه این نیز این است

که «هم» (و قصد) یوسف^{علیه السلام} به زلیخا عینا مانند «هم» او به یوسف^{علیه السلام} یعنی تصمیم بر معصیت باشد؛ با این تفاوت که «هم» یوسف^{علیه السلام} به او، داخل در تحت شرط قرار می‌گیرد و چنین می‌شود: «اگر یوسف برهان پروردگار خود را نمی‌دید او هم ممکن بود قصد (معصیت) کند ...». (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۸ - ۱۲۷)

ب) دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبایی، پس از نقل اقوال مختلف مفسران عامه و خاصه و نقد پنج دیدگاه مخالف در این زمینه؛ (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۴۰ - ۱۳۹) به ذکر دیدگاه خویش و اثبات آن پرداخته است. برای آشنایی با نقطه‌نظرها و دلایل علامه، به بیان امور ذیل بسته می‌شود:

۱. تبیین دیدگاه

علامه طباطبایی بر این باور است: متعلق اراده «زلیخا» و حضرت «یوسف»^{علیه السلام}، «عمل جنسی» بوده است؛ با این تفاوت که همسر عزیز مصر تصمیم به این کار گرفت و تا آخر هم بر تصمیم خود باقی ماند، ولی موفق نشد؛ اما از جانب یوسف^{علیه السلام} به جهت بهره‌مندی از «برهان رب»، چنین تصمیمی گرفته نشده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۳۰ - ۱۲۷)

۲. مسبوقیت دیدگاه

گاه ممکن است چنین پنداشته شود که علامه طباطبایی، مبتکر، مبدع، و آفریننده دیدگاه مذکور است؛ در حالی که شواهد موجود در آثار برخی از مفسران شیعی و سنی در قرون پیشین، حکایت از مسبوقیت آن در دوران گذشته دارد. (از باب نمونه: طوسی، ۱۴۱۳: ۶ / ۱۱۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۲۵۷؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹: ۲ / ۵۸۷)

۳. موافقان دیدگاه در دوره معاصر

آثار تفسیری جمع چشمگیری از مفسران فریقین در چند دهه اخیر، حاکی از این است که آنان اگرچه در برخی از مباحث فرعی (ازجمله: محفوظ بودن جواب «لولا» یا مقدم بودن آن ...) با علامه طباطبایی اختلاف‌نظر دارند، ولی با اصل این دیدگاه در مورد وحدت متعلق قصد «زلیخا» و حضرت «یوسف»^{علیه السلام} کاملاً موافق می‌باشند. (ابن‌عاشور، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۴۷؛ مغنية، ۱۴۲۴: ۴ / ۳۰۳؛ سبحانی، ۱۳۷۷: ۹ - ۱۳؛ شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۷۰ - ۳۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲۰ - ۳۱۹؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۹۵: جلسه ۱۲؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۷: ۵ / ۱۰۵)

۴. دلیل قرآنی دیدگاه

علامه طباطبایی در جهت نقد دیدگاه رشید رضا در جهت تعیین متعلق اراده و قصد زلیخا و یوسف^{علیهم السلام} و اثبات دیدگاه خویش، از دو دلیل بهره جسته است:

الف) «سیاق» آیه؛ که برآمده از مجموعه فرازهای سه‌گانه (بهویژه فراز اول) آن می‌باشد؛
 ب) پذیرش دیدگاه مقابله، موجب می‌شود که بین متعلق قصد در دو جمله «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» تفرقه ایجاد شود؛ زیرا باورمندان به آن، متعلق قصد در جمله «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ» را تعدی و انتقامجویی و متعلق قصد در جمله «وَهَمَّ بِهَا» را دفاع و تعدی فرض کرده‌اند؛ و این تفاوت، بر خلاف ظهور آیه است.
 (طباطبایی، ۳۹۰: ۱۱ / ۱۲۸ - ۱۲۷)

۵. مؤید روایی دیدگاه

مفاد پاره‌ای از روایات مندرج در متون روایی شیعه (صدقه، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰۱، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۹۱؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۰۳) کاملاً همخوان با دیدگاه علامه طباطبایی است؛ از باب نمونه، در روایت منقول از امام رضا^{علیه السلام} چنین آمده است: در مجلسی، مأمون از امام رضا^{علیه السلام} پرسید: آیا شما به عصمت پیامبران اعتقاد دارید؟ حضرت فرمود: آری؛ مأمون پرسش‌هایی کرد و در میان پرسش‌هایش گفت: آیه «وَلَقْدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ» را چگونه توجیه می‌کنید؟ آن حضرت فرمود: زلیخا قصد کام گیری از یوسف^{علیه السلام} داشت و بر انجام گناه عزم کرد و یوسف^{علیه السلام} هم اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید بر انجام آن عمل، عزم می‌کرد؛ اما یوسف^{علیه السلام} م Gusum است و انسان‌های معصوم نه عزم بر گناه می‌کنند و نه آن را انجام می‌دهند. (صدقه، بی‌تا: ۴۰۹ / ۱)

ارزیابی

۱. این دیدگاه، افزون بر همخوان بودنش با ساختار آیه مورد بحث و همگون بودنش با مفاد برخی از روایات قابل اعتماد و اعتماد، با عقیده «ضرورت عصمت پیامبران از هرگونه معصیت و گناه» نیز کاملاً سازگاری دارد؛

۲. از جملات آغازین مذکور در این بخش از عبارت علامه طباطبایی (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۲۷) چنین برمی‌آید که سیاق آیه ۲۴ سوره یوسف، مهم‌ترین دلیل قرآنی وی محسوب می‌شود؛

۳. از بخش‌های بعدی گفتار علامه طباطبایی (همان: ۱۲۸ - ۱۲۷) به خوبی برمی‌آید که ایشان، سیاق مورد اشاره را، برآمده از امور ذیل می‌دانست:

الف) حذف جواب «لولا» و دلیل بودن جمله «وَهَمَّ بِهَا» برای آن؛

ب) قید بودن جمله «أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ» برای جمله «وَهَمَّ يَهَا»؛

ج) تصریح به اینکه مشار الیه «كذلک» همان مفادی است که جمله «أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ» مشتمل بر آن است؛ در نتیجه، معنای این جمله چنین خواهد بود: «ازآنجایی که یوسف^{علیہ السلام} از بندگان مخلص ما بود، ما بدی و فحشاء را بهو سیله آنچه که از برهان پروردگارش دید از او بازگرداندیم.

د) تأکید بر مفاد جمله «إِنْ عِبَادِنَا الْمُحْلَصِينَ» و بیان این مطلب که: شأن بندگان مخلص این است که برهان پروردگار خویش را می‌بینند و خداوند هر سوء و فحشایی را از آنان دور می‌کند؛ پس هرگز مرتكب معصیت نمی‌شوند و به واسطه شهود برهان الهی که همان عصمت است، قصد گناه نیز نمی‌کنند.

علامه طباطبایی در سخن دیگری، درباره چگونگی عصمت «مُحْلَصِينَ» چنین نگاشته است:

خداؤند برخی از بندگانش را بر استقامت فطرت و اعتدال خلقت آفرید. آنها از همان ابتدا دارای اذهانی تیز و ادراکی صحیح، جان‌هایی پاک و قلوبی سلیم بودند و با همین صفاتی فطرت و سلامت نفس، از نعمت اخلاصی برخوردار شده‌اند، اخلاصشان برتر است. آن را کسب می‌کنند و از آنجا که از پلیدی موانع به دور بوده‌اند، اخلاصشان برتر است. اینان در عرف قرآنی، همان مخلصین‌اند و مخلصین همان پیامبران و امامان‌اند. خداوند به آنان علمی عطا کرده که با وجود آن علم، محل است گناه کوچک یا بزرگی از آنان سر بزند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲ / ۱۱)

۴. باور به محدودیت جواب «لولا» و قید بودن جمله «أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ» برای جمله «وَهَمَّ يَهَا» در متون تفسیری برخی از مفسران پیشین نیز سابقه دارد. (زمخشري، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۵۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶ / ۲۵۷؛ شنقطی، بی‌تا: ۲ / ۳۶)

ع نتیجه برآمده از دیدگاه معتقدان به محدود بودن جواب «لولا» در جمله مذکور، همسان با نتیجه دیدگاه باورمندان به جواز تقدیم جواب «لولا» (رازی، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۴۴۱؛ شنقطی، بی‌تا: ۲ / ۳۶) خواهد بود؛ یعنی بر پایه هر دو دیدگاه، هیچ «هم» و قصدی در یوسف^{علیہ السلام} پدید نیامده است.

ج) دیدگاه جوادی آملی

جهت آگاهی با اصل دیدگاه این مفسر بزرگ پیرامون وحدت و یا تعدد متعلق «زلیخا» و «یوسف» و دلایل وی در ترجیح گزینه اول و نفی دوم، به ذکر سه نکته بسنده می‌شود:

۱. تبیین دیدگاه

با ملاحظه و تأمل در مجموعه مباحث مطرح شده در جهت تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در تفسیر تسنیم،

بهوضوح می‌یابیم که دیدگاه مؤلف آن، کاملاً با دیدگاه علامه طباطبایی (یعنی وحدت متعلق اراده «زلیخا» و «یوسف») موافق می‌باشد و همانند استاد کبیرش بر این باور است که «همسر عزیز مصر، پس از ناکامی از مراوده و شنیدن جواب رَدْ یُوسف ﷺ وی را قصد کرد تا نقشه و خواسته‌اش را عملی سازد ... و یوسف ﷺ نیز اگر برhan پروردگارش را ندیده بود، او را قصد می‌کرد؛ اما چون برhan پروردگارش را دید، قصد نکرد - چنان که هیچ گرایشی هم نبود - (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ - ۳۲۰ / ۳۱۹)

نکته شایان توجه اینکه: مؤلف تفسیر **تسنیم**، چه در جهت تعیین متعلق اراده «زلیخا» و «یوسف» **یا** و چه در تبیین مقصود از «برhan رب»؛ به طرح دیدگاه خویش و اثبات آن از طریق قرآن و حدیث بسنده نموده است و از طرح دیدگاه و دلایل مخالفانی همانند رشید رضا و غیره بصورت شفاف و مستقیم، کاملاً پرهیز نموده است؛

۲. دلایل دیدگاه

صاحب تفسیر **تسنیم**، برای اثبات مدعای خویش، پس از بهره‌گیری از سیاق آیه «هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» و تقدیم جواب «لولا» برای اثبات مدعای خویش، با طرح عنوان «ادله قرآنی عصمت یوسف ﷺ در کلام فخر رازی»، به مفاد آیات مختلفی از سوره یوسف در این راستا استناد نموده و به ذکر هفت دلیل پرداخته است؛ (همان: ۳۳۰ - ۳۳۴) وی در بحث «اشارات و لطائف» مربوط به آیه مورد بحث، کوشیده است با طرح پاره‌ای از مباحث عرفانی مقبول در نزد شرع و عقل نیز، در جهت اثبات معصومیت یوسف ﷺ بهره جوید. (همان، ۴۴۶ - ۳۵۱)

۳. ارزیابی دیدگاه (تبیین تنها نقطه اختلاف «تسنیم» با «المیزان»)

متن تفسیر **تسنیم** و **المیزان** گویای این است که در طرح مباحث کلیدی مربوط به تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف، اختلافی بین مؤلفان این دو تفسیر مهم شیعی وجود ندارد؛ تنها نقطه اختلاف بین آن دو عبارت است از: «تقدیم» جواب «لولا» و یا محدودیت آن؛ زیرا علامه طباطبایی، ضمن فاسد و باطل دانستن قول به عدم جواز تقدیم جواب «لولا»، بر این نکته تصریح دارد که جواب این کلمه در آیه مورد بحث، محدود است و جمله «هَمَّ بِهَا» را دلیل بر این حذف دانسته است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۱۱) در حالی که آیت‌الله جوادی آملی، در عین حالی که دیدگاه زجاج (منی بر عدم جواز تقدیم جواب «لولا») را قبول ندارد و دو برhan در جهت نقد آن اقامه نموده است؛ ولی ابتداء به نقل از علامه طبرسی آورده است: «در آیه شریفه، تقدیم و تاخیر (خ داده) و در اصل چنین است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَلَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ هَمَّ بِهَا وَلَّا رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَمْ يَهْمَّ بِهَا...»؛ سپس اعلام داشته است: «این قول حق است». (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۳۲)

نتیجه

۱. در شمار آیات مشکله قرآن قرار گرفتن آیه ۲۴ سوره یوسف و گره خوردن فراز آغازین آن با عصمت یوسف ﷺ موجب گردید تا تفسیر این آیه از دیر باز مورد توجه مفسران فرقین قرار گیرد؛
۲. نزاع اصلی بروز یافته در میان مفسران فرقین، ناظر به تعیین متعلق دو واژه «همت» و «هم» (و تعیین متعلق اراده زلیخا و یوسف ﷺ) است و نه تبیین مفهوم لغوی ماده «هم» و کاربردهای قرآنی آن؛
۳. مؤلف تفسیر *المنار*، ضمن اتفاق نظر نسبی با مؤلف تفسیر *المیزان*، و *تسنیم*، در بیان اموری همچون: مفهوم لغوی ماده «هم»، معصوم دانستن یوسف ﷺ، مجعل و موضوع دانستن روایات مورد استناد دیدگاه‌های مخالف؛ ولی دیدگاهش در جهت تعیین متعلق قصد زلیخا و یوسف ﷺ، سخت متفاوت با دیدگاه مؤلفان دو تفسیر مذکور می‌باشد؛
۴. باور رشید رضا این است که متعلق اراده زلیخا و یوسف ﷺ قصد سوء و فحشاء نبوده است؛ زیرا زلیخا پس از احساس عدم موققیت در کامیابی از یوسف ﷺ قصد تعدی و ضرب و شتم وی را در سر پروراند و یوسف ﷺ هم متقابلاً در پی دفاع از خود برآمد؛
۵. علامه طباطبایی و جوادی آملی بر این عقیده‌اند که: متعلق اراده زلیخا و یوسف ﷺ عبارت است از قصد «سوء» و «فحشاء» با این تفاوت که زلیخا، هم قصد ارتکاب این عمل منافی را در سر داشته و هم برای تحقق آن تلاش نمود؛ اگرچه به مقصود خویش دست نیافت؛ ولی یوسف ﷺ، نه تنها برای عملیاتی نمودن این فعل حرام اقدامی ننمود؛ بلکه به جهت برخوردار بودنش از «برهان رب»، قصد آن هم نکرده است؛
۶. علامه طباطبایی، ضمن بهره‌گیری از فرائن درونی (سیاق آیه و ...) و بروني (آیات و روایات وارد در باب عصمت انبیاء الهی) در جهت اثبات مدعای خویش و نقد تمامی دیدگاه‌های مخالف بهویژه به نقد دیدگاه رشید رضا پرداخت؛ و بر این نکته تصریح و تاکید دارد که باور به عدم تعلق اراده زلیخا و یوسف ﷺ به ارتکاب «سوء» و «فحشاء» و فرض قصد تعدی از ناحیه زلیخا و قصد دفاع از سوی یوسف ﷺ، با سیاق آیه و ظاهر آن همخوانی ندارد؛
۷. اگرچه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی در جواز تقدیم جواب کلمه «لولا» اتفاق نظر دارند؛ ولی علامه بر این باور است که در آیه ۲۴ سوره یوسف، جواب آن محفوظ است و جمله «وَهُمْ بِهَا» دلیل بر آن است؛ اما عقیده آیت‌الله جوادی آملی با اتكاء به نظریه امین‌الاسلام طبرسی این است که در این آیه، جواب «لولا» حذف نشده است؛ تنها تقدیم و تاخیر صورت پذیرفته است؛ یعنی تعبیر «وَهُمْ بِهَا»، جواب مقدم کلمه «لولا» است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- رشید رضا، محمد، ۱۳۷۲ ق / ۱۹۳۵ م، المنار، مصر، دار المنار.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا، مناهل‌العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- زمخشیری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق خواص التنزيل و عيون الأقوایل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتاب العربي، سوم.
- سجادی، سید جعفر، ۱۳۶۳ ش، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی خلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنشور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن دُرید، محمد بن حسن، ۱۹۸۷ م، جمهرة اللغة، تحقيق رمزي منیر علبکی، بیروت، دار العلم للملائين.
- ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، متشابه القرآن و مختلفه، همراه با مقدمه علامه شهرستانی، قم، بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۱۹ ق، التحریر و التنویر، تونس، دار نحنوں.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقيق: احمد عبدالله القرشی رسلان، قاهره، دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۰۵ ق، لسان العرب، قم، ادب الحوزه.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط، بیروت، دار الفکر.
- احسائی، ابن أبي جمهور محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ ق، عوالي اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الـدینیة، قم، دار سید الشهداء علیہ السلام.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، أحكام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵ ش، تسنیم، قم، إسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حمّاد، ۱۳۷۶، الصحاح، بیروت، دار العلم للملائين.

- دارقطنی بغدادی، ابوالحسن علی بن عمر، ۱۳۸۷ ش، السنن، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیبان.
- درویش، محیی الدین، ۱۴۱۵ ق، اعراب القرآن و بیانه، سوریه، دار الارشاد.
- دعاس، حمیدان، قاسم، ۱۴۲۵ ق، اعراب القرآن التکریم، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب /التفسیر الكبير، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م، مفردات الفاظ القرآن، بیروت و دمشق، دار القلم و الدار الشامية.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ ق، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الكتاب العربي.
- شرتونی، سعید، ۱۳۹۳ ش، اقرب الموارد، تهران، اسوه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۱ ش، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین عليه السلام.
- شنقطی، محمد امین، بی‌تا، اضواء البيان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، عالم الكتب.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، ۱۳۷۹ ش، جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف عليه السلام، تهران، امید فردا، چ ۲.

- صبحی صالح، ۱۳۷۲ ش، مباحث فی علوم القرآن، قم، الشریف الرضی.
- صدقوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۸۷، علل الشوائخ، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- صدقوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- صدقوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، الأماالی، تهران، بنیاد بعثت.
- صدقوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی، بی‌تا، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران، صدقوق.
- طباطبایی، سید محمد‌حسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد‌حسین، ۱۳۸۸ ش، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب چ ۳.
- طباطبایی، سید محمد‌حسین، ۱۳۹۰ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البيان لعلوم القرآن، تهران، ناصرخسرو، چ ۳.

- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرين، تحقیق احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی،

ج ۳.

- طنطاوی، محمد، ۱۹۹۷ م، *تفسیر الوسيط*، قاهره، دار النهضة.

- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ ق، *التبيان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه النشرالاسلامی.

- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجيز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.

- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ش، *كتاب التفسير*، تهران، مکتبة العلمية الاسلامية.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۸۳ ش، *ترتيب كتاب العین*، تحقیق ابراهیم سامرائی، تصحیح اسعد

طیب، قم، اسوه، ج ۲.

- فیومی، احمد بن محمد، ۱۹۸۲ م، *المصباح المنیر*، مصر، مطبعة الأمیریة بالقاهره، ج ۷.

- قاسمی، جمال الدین محمد، ۱۴۱۸ ق، *محاسن التاویل*، بیروت، دار الكتب العلمیه.

- قرشی بنایی، سید علی اکبر ۱۳۷۷ ش، *تفسير احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ۳.

- متنقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م، *کنز الاعمال*، بیروت، موسسه الرساله.

- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۵ ش، *نقش امدادهای الهی در هدایت و موقفیت مؤمنان؛ درس اخلاق*،

خبرگزاری مهر. ۹.

- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ ش، *التحقيق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مصطفی، ابراهیم با همکاری دیگران، ۱۳۸۷ ش، *المعجم الوسيط*، بی جا، صادق، ج ۶.

- معینی، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *الکاشف*، تهران، دار الكتب الاسلامیه.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الكتب اسلامیه.

- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، *اعراب القرآن*، بیروت، دار الكتب العلمیه.

- یضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ب) مقاله‌ها

- آسه، جواد، ۱۳۹۸ ش، «نقدی بر توجیه اعرابی و تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف در کتاب الأثر

العقدى»؛ پژوهشی‌های زبان‌شناسی قرآن، ش ۱۶، ص ۱۴۴ - ۱۲۹، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

- بلوکی، افضل؛ محمدعلی مصلح‌نژاد، ۱۳۹۹ ش، «تحلیل مفهوم واژه‌های رب و برhan در آیه «أَولًا

أَنْ رَأَيْ بُرْهَانَ رَبِّهِ»، *مطالعات تفسیری*، ش ۴۱، ص ۷۴ - ۵۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

- پروان، صدیقه، و حسین علوی مهر، بی‌تا، «نگرشی نو به برهان رب»، *مطالعات تفسیری*، آماده انتشار، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- رضی بهبادی، بی‌بی سادات و نرجس جواندل، ۱۳۹۳ ش، «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرةالمعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ش ۴۸، ص ۱۸۰ - ۱۱۹، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ ش، «تفسیر آیات مشکله قرآن مجید»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۸، ش ۱، قم، مؤسسه در راه حق.
- گودرزی، محمد، ۱۳۹۶ ش، «المنار در آینه المیزان (تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبائی بر تفسیر المنار)»، *نقد کتاب قرآن و علوم دینی*، ش ۹ و ۱۰، تهران، خانه کتاب.